

## مقدمه

تمثیل یکی از زیباترین آرایه‌های ادبی است که در کتاب اول دبیرستان، پس از حکایت تمثیلی «طوطی و بقال» این‌گونه تعریف شده است: «به این‌گونه حکایات که نتیجه‌ی آن‌ها می‌تواند سرمشقی برای موارد مشابه باشد تمثیل می‌گویند... این تمثیل‌ها اغلب داستان‌ها و مثل‌های ساده و عامیانه هستند».

این تعریف در عین فایده‌مندی و اختصار، برگرفته از تحقیق‌های محققان غربی در آثار ادبی آن‌هاست. با مراجعه به «فرهنگ اصطلاحات ادبی» ذیل اصطلاح «الیگوری Allegory» می‌توان به این تعریف دست یافت. جالب آن‌که برای این نوع از تمثیل نیز نمونه‌های بسیار زیادی در ادبیات فارسی می‌توان پیدا کرد اما کتب بلاغت قدیم اسلامی با چنین دقت و ظرافتی بدان نپرداخته‌اند و بیش‌تر به تمثیل‌هایی توجه کرده‌اند که نوعی از صور خیال است و در حوزة تشبیه یا استعاره به شمار می‌آید. آگاهی از این نوع دیگر تمثیل، موجب درک یکی از زیباترین آرایه‌های ادبی به خصوص در ادبیات سنتی فارسی و عربی می‌شود که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در کتب درسی پیدا کرد اما تعریف کتاب درسی، دربرگیرنده‌ی این نوع تمثیل نیست و حکایات و داستان‌های تمثیلی را دربر می‌گیرد.

عبدالقاهر جرجانی (متوفای ۴۷۱ هجری) درباره‌ی این نوع تمثیل نوشته است «تشبیه تمثیل که وجه شبه در آن امری ظاهر و آشکار نیست و روی هم نیاز به تأویل دارد و باید از ظاهر امر گردانده شود؛ زیرا مشبه با مشبه‌به در صفت حقیقی مشترک نیست» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۱۱۲) مانند «مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا، یعنی کسانی که تورات را با خود دارند اما آن را نمی‌فهمند (مشبه) مثل خری است که بر آن کتاب بار کرده باشند (مشبه‌به)» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۰۵). در این تشبیه، باید مشبه به را تمثیلی برای درک نکردن مفاهیم تورات در نظر گرفت.

«ولی باید توجه داشت که راه‌های تأویل متفاوت است، یعنی چندان نزدیک است که می‌تواند در قلمرو تشبیهات دسته‌ی اول (= تشبیه ساده) قرار گیرد و بعضی به اندکی تأویل نیازمند است و بعضی به بیش‌تر و دقیق‌تر» (شفیعی، ۱۳۷۰: ۸۰) عبدالقاهر جرجانی در تشخیص تفاوت تشبیه تمثیل از تشبیه ساده ملاک دیگری نیز به دست می‌دهد: «تشبیهی که بیش‌تر شایسته‌ی عنوان تمثیل است، تشبیهی است که جز در یک کلام و یک جمله یا بیش‌تر گنجانده نمی‌شود.» (همان: ۸۲)

## در کتب درسی

### چکیده

غلامرضا شمس‌ی

کارشناس ارشد

زبان و ادب فارسی

دبیر ادبیات فارسی

اشترینان بروجرد

تمثیل یکی از اصطلاحات ادبی است که دو نوع دارد. **مطالعه** نوع اول: در بلاغت اسلامی نوعی تشبیه یا استعاره است. در نمونه‌های تشبیهی، مشبه‌به معنای کلی‌تری از یک تشبیه دارد و باید تأویل شود و در نمونه‌های استعاره‌ی قرینه، معنا را در مفهوم استعاره‌ی محدود نمی‌کند و نمی‌تواند استعاره‌ی مصرحه باشد. اندازه‌ی این نوع از تمثیل‌ها یک یا دو بیت است و نمونه‌های بسیاری در ادبیات سنتی دارد.

نوع دوم، مطابق تعریف محققان معاصر علم بلاغت، داستان یا حکایتی است که معنایی در روستاخت و معنایی در ژرف ساخت خود دارد. در کتاب سال اول، تمثیل نوع دوم بررسی شده است و در این مقاله، تمثیل نوع اول و نمونه‌هایی از آن به اختصار تحلیل شده است.

### کلید واژه‌ها:

تمثیل، حکایت، تشبیه، استعاره، قرینه.

جلیل تجلیل در مورد تمثیل‌هایی که نوعی تشبیه‌اند، نوشته است: «تشبیه تمثیل آن است که وجه شبه در آن از امور متعدد انتزاع شده باشد... مانند:

قرار در دل آزادگان نگیرد مال

چو صبر در دل عاشق، چون آب در غربال (تجلیل، ۱۳۷۰: ۵۵)  
این نوع از تمثیل، گاه، بدون ادات تشبیه و مشبه در یک اثر ادبی خلق می‌شود که بلاغیون در مورد این نوع از تمثیل و تفاوت آن با استعاره‌ی مصرحه نکات بسیاری در کتب بلاغی ذکر کرده‌اند. مانند این بیت حماسه‌ی حیدری:

فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ  
بود سهمگین، جنگ شیر و پلنگ

(بازل مشهدی، ادبیات دوم دبیرستان)

حذف مشبه‌به (علی (ع) و عمرو) و ادات تشبیه موجب می‌شود که مصرع دوم استعاره‌ی مصرحه به نظر برسد اما باید توجه داشت که وحشت‌ناکی جنگ شیر و پلنگ امری حقیقی است و قرینه‌ای برای محدود کردن معنی وجود ندارد. به عبارت دیگر، وحشت‌ناکی جنگ شیر و پلنگ، تمثیلی برای وحشت‌ناکی [شدت] جنگ علی (ع) و عمرو است به آن که استعاره از آن دو جنگ‌جو باشد. قرینه در این مصرع «وحشت‌ناک بودن جنگ» است که در مورد جنگ شیر و پلنگ مصداق دارد و هم در مورد جنگ علی (ع) و عمرو بن عبود.

بلاغت‌نویسان وجود استعاره را مشروط به «قرینه» دانسته‌اند. «قرینه، ضمن آن که ما را به معنای مجازی کلمه رهبری می‌کند، محدود هم می‌کند» (پورنامداریان، همان: ۱۷). برای مثال، در ترکیب استعاری «سرو چمان» از «چمیدن» متوجه می‌شویم که منظور از «سرو»، معنای اولیه‌ی آن نیست و نمی‌توانیم سرو را جز در معنای استعاری در معنای حقیقی به کار ببریم اما در بیتی که از حماسه‌ی حیدری نقل شد، شیر و نهنگ و پلنگ می‌تواند جدای از معنای استعاری در معنای حقیقی نیز فهمیده شود و به همین دلیل، نمی‌تواند استعاره باشد. محمدرضا شفیعی کدکنی برای درک بهتر تمثیل راه‌حلی ارائه داده است: «در بیتی که پیش از این هم نقل کردیم: (صورت نیست در دل ما کینه‌ی کسی / آینه هر چه دید فراموش می‌کند)

می‌توان (=) میان دو مصراع قرار داد، یعنی هر دو مصراع، دو سوی یک معادله‌اند و به جای هر کدام از آن‌ها می‌توان دیگری را قرار داد و یک معنی را دریافت.» (شفیعی، ۱۳۷۰: ۸۵)  
برای بررسی بهتر، نمونه‌ای دیگر از همان کتاب سال دوم، نبرد رستم و اشکبوس، نقل می‌کنیم. رستم پس از آن که به خاطر

پیاده بودن از جانب اشکبوس مسخره می‌شود، می‌گوید:

پیاده ندیدی که جنگ آورد

سر سرکشان زیر سنگ آورد

به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ

سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟ (فردوسی، ادبیات دوم دبیرستان)  
سواره نجنگیدن رستم = سواره نجنگیدن شیر و نهنگ و پلنگ در این بیت، قرینه «سواره نجنگیدن» است که هم در مورد رستم مصداق دارد و هم در مورد شیر و هم نهنگ ۱ و هم پلنگ و مانع از اراده‌ی معنای حقیقی شیر و نهنگ و پلنگ نیست؛ پس نمی‌تواند استعاره‌ی مصرحه باشد.

شاید بهترین راه در مورد این ابیات، آن است که «استعاره‌ی تمثیلیه» نامیده شوند اما بلاغت‌نویسان استعاره‌ی تمثیلیه را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «هرگاه جمله‌ای در غیر معنی اصلی خود به علاقه‌ی مشابهت به کار رود، آن را تمثیل یا استعاره‌ی تمثیلیه گویند. چنان که سنایی «تکیه بر آب زدن» را در معنی کار بیهوده انجام دادن به کار برده است.» (تجلیل، ۱۳۷۰: ۶۸)

### نتیجه‌گیری

برخی تمثیل‌ها که شکل استعاره‌ی مصرحه دارند، به دلیل نداشتن قرینه‌ای که معنا را محدود کند، بهتر است در صورت داشتن ادات تشبیه، تشبیه تمثیل به شمار آیند و در هنگام نداشتن ادات تشبیه، استعاره‌ی تمثیلیه. اگرچه استعاره‌ی تمثیلیه در کتب بلاغی، به گونه‌ای دیگر تعریف شده است.

### پی‌نوشت

۱. نهنگ در شاهنامه، گاهی به معنای تمساح است و صاحب دست و پا. (رجوع کنید به لغت‌نامه، ذیل واژه‌ی نهنگ)

### منابع

۱. ادبیات فارسی ۲، سال دوم دبیرستان، چاپ ششم، ۱۳۸۲.
۲. پورنامداریان، تقی؛ رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۳. تجلیل، جلیل؛ معانی و بیان، ج ۵، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی، ج ۴، مؤسسه‌ی انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
۵. شمیسا، سیروس؛ بیان، چاپ اول، انتشارات فردوس، ۱۳۷۰.
۶. فتوحی، محمود؛ تمثیل ماهیت، اقسام، کارکرد، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال ۱۲ و ۱۳، شماره‌ی ۴۷ - ۴۹، زمستان ۱۳۸۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴.

برخی تمثیل‌ها

که شکل استعاره‌ی

مصرحه دارند،

به دلیل نداشتن

قرینه‌ای که معنا را

محدود کند، بهتر

است در صورت

داشتن ادات

تشبیه، تشبیه

تمثیل به شمار

آیند و در هنگام

نداشتن ادات

تشبیه، استعاره‌ی

تمثیلیه. اگرچه

استعاره‌ی تمثیلیه

در کتب بلاغی،

به گونه‌ای دیگر

تعریف شده است

جلیل تجلیل در

مورد تمثیل‌هایی

که نوعی

تشبیه‌اند، نوشته

است: «تشبیه

تمثیل آن است که

وجه شبه در آن از

امور متعدد انتزاع

شده باشد